



پاسخ کاملاً تشریحی سؤالات زبان
عمومی ارشد کلیه رشته ها (۷ سال اخیر)

آزمونهای منتخب و تالیفی به همراه پاسخ

۲۰۰۰ لغت پرتکرار کنکور

کارشناسی ارشد به همراه مثال

زبان عمومی ارشد ویرایش جدید زیر ذره بین

الناز یوسف زاده • هادی جهانشاهی



زبان عمومی ارشد

زیر ذره بین

پاسخ کاملاً تشریحی سوالات زبان عمومی ارشد کلیه رشته ها (۷ سال اخیر)

۲۰۰۰ لغت پرتکرار کنکور کارشناسی ارشد به همراه مثال

آزمون های منتخب و تالیفی به همراه پاسخ

الناز یوسف زاده بری
هادی جهانشاهی



به نام خدا

دانشجوی گرامی

کتابی که در دست دارید از مجموعه کتب آمادگی کنکور کارشناسی ارشد و دکتری موسسه پژوهش می باشد که با همکاری انتشارات نگاه دانش به انتشار درآمده است. این مجموعه کتب با هدایت علمی و سیاست گذاری دپارتمان های مربوطه در موسسه و با کمک برترین مؤلفین و اساتید دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی تدوین می شوند. هدف موسسه از انتشار این مجموعه، ارائه منابع کارآمد و معطوف به نیاز دانشجویان متقاضی ورود به تحصیلات تکمیلی می باشد. از این رو سعی شده تا کتاب ها با داشتن طرح درسی منسجم و قوی به همراه تست های متعدد و پاسخ های تشریحی دانشجویان را از مطالعه منابع دیگر بی نیاز کنند. همچنین در راستای بهبود مستمر محتوای این مجموعه، موسسه پژوهش پذیرای نظرات اصلاحی، انتقادات و پیشنهادات شما از طریق Publication@pazhuhesh.org یا آدرس پستی دفتر مرکزی موسسه پژوهش می باشد.

همچنین موسسه آموزش عالی آزاد پژوهش در راستای موفقیت متقاضیان در مسیر ورود به مقاطع مختلف تحصیلات تکمیلی انواع خدمات آموزشی از قبیل بسته های آموزشی، کلاس های آمادگی درس و تست، کلاس های آمادگی نکته و تست، آزمون های آزمایشی، خدمات مشاوره حضوری و ... را در رشته های مختلف به دانشپذیران ارائه می نماید، و در بیش از ده سالی که از تاسیس موسسه می گذرد بیش از صد هزار دانشپذیر از خدمات مختلف موسسه در راه رسیدن به اهداف خود بهره برده اند که موفقیت تعداد بی شماری از ایشان در مجامع علمی و کاری باعث افتخار موسسه پژوهش می باشد. اطلاعات بیش تر را می توانید در سایت مجموعه به آدرس pazhuhesh.org مشاهده نمایید.

با تشکر

موسسه آموزش عالی آزاد پژوهش

فهرست مطالب

۷

1 مقدمه

۹

2 پاسخ زبان عمومی کنکورها

۱۱

آزمون کارشناسی ارشد ۸۶

۴۱

آزمون کارشناسی ارشد ۸۷

۷۱

آزمون کارشناسی ارشد ۸۸

۱۰۱

آزمون کارشناسی ارشد ۸۹

۱۲۷

آزمون کارشناسی ارشد ۹۰

۱۵۳

آزمون کارشناسی ارشد ۹۱

۱۷۹

آزمون کارشناسی ارشد ۹۲

۲۰۷

3 تستهای منتخب و تالیفی

۲۰۹

تستهای برگزیده با پاسخ

۲۲۵

تستهای تالیفی با پاسخ

۲۳۱

4 راهنمای واژگان کنکور ارشد

۴۱۹

5 جداول و ضمائم



مقدمه

کتاب با نام “**زبان عمومی/ارشد زیر ذره بین**” ماحصل تلاشی گسترده بوده و با هدف تحلیل منطقی و نگارشی نو به درس زبان عمومی مشترک میان کلیه رشته‌ها ارائه گردیده است. این کتاب بر سه زیر بخش اصلی “پاسخ زبان عمومی کلیه رشته‌ها و گرایش‌ها از سال ۸۶ تا ۹۲”، “تألیف و انتخاب مجموعه تست‌هایی از لغات ضروری و پرکاربرد” و “راهنمای لغات مهم و پرتکرار در کنکور ارشد” استوار است که پیش از هر فصل دیباچه‌ای در شرح آن فصل ارائه شده است.

چرا زبان عمومی ارشد زیر ذره بین؟

مؤلفین این کتاب، این کتاب را نه کتابی تألیفی که بیشتر کتابی تحقیقی با دامنه وسیعی از منابع می‌دانند. ایده نگارش چنین کتابی با درک روند طراحی سوالات زبان عمومی ارشد طی سال‌های گذشته به ذهنمان خطور کرد.

مهم‌ترین مزیت این کتاب: وجه تحقیقاتی آن است که تاکنون در زمینه زبان عمومی ارشد، کتابی با این ریزبینی به بحث واژگان آن نگاشته نشده بود. همواره دانشجویان این سوال را در ذهن می‌پروراندند که “برای واژگان کنکور ارشد کدام منبع را مطالعه کنیم؟” منابع متعدد چاپ داخل و خارج از کشور در جهت کمک به این خلاء معرفی می‌گردند که یکی دیگر از اهدافی که در نوشتن این کتاب رأس‌العین خود قرار دادیم، این جمله معروف بود: “بجای آنکه چندین کتاب بخوانید، یک کتاب را چندین بار مطالعه کنید” سعی شده است تا حد ممکن کتاب جامعیت و مانعیت را در بحث واژگان ارشد رعایت نماید. بیش از ۳۶۰۰ مثال از ۲۰۰۰ لغت مهم و پرکاربرد کنکوری می‌تواند راهگشای عملی شما دانش پژوهان عزیز در بحث واژگان باشد.

چگونه کتاب را مطالعه کنیم؟

این سوالی بود که تعداد زیادی از دانشجویان، در طول مدت چاپ ویرایش اول بارها و بارها پرسیدند. این سوال بستگی به سطح زبان شما و زمانی که شروع به خواندن این کتاب می‌کنید دارد.

۱. برای کسانی که سطح زبان آن‌ها مطلوب نیست، توصیه می‌شود با کتاب "لغات ضروری تافل" شروع نمایند. پس از اتمام آن کتاب می‌توانید طبق روند بند ۳ با این کتاب ادامه دهید.

۲. برای کسانی که دیر (نیمه دوم پاییز به بعد) شروع به خواندن این کتاب می‌کنند، توصیه می‌شود که ابتدا از تست‌های کنکورهای ۹۲ تا ۸۶ به صورت برعکس شروع به تست زنی نمایند و برای کلماتی که مشکل دارند، به بخش واژگان رجوع نموده و با دقت و استفاده از مثال‌ها به مفهوم واژگان پرتکرار مسلط شوند.

۳. برای کسانی که از بهار یا تابستان شروع به خواندن کتاب می‌کنند، پیشنهاد می‌کنیم از بخش واژگان با تکنیک "لایتنر" یا "تیک ایت (۸ تیک)" لغات را مسلط شوند و برای این موضوع به هم زدن ترتیب الفبایی می‌تواند کمک بیشتری نماید. در اولویت دوم به سوالات کنکورها از سال ۹۲ به سال‌های قبل‌تر پاسخ داده و در نهایت برای تثبیت واژگان تست‌های تألیفی را پاسخ دهند.

چه تغییراتی تا چاپ آتی مدنظر است؟

این کتاب هر ساله در چاپ جدید خود به افزودن تست‌های جدید کنکور و به روزرسانی دامنه غنی لغات پرتکرار کنکور خواهد پرداخت. یکی دیگر از مواردی که برای چاپ‌های آینده مدنظر است افزودن بخش گرامر به کتاب و ارائه مجلدی دیگر با همین قالب و جامعیت تمام است. امید است با ارائه این مجموعه کتب اندک خدمتی به دانش پژوهان محترم نموده باشیم.

در پایان خاطر نشان می‌کنیم، جهت مطالعه صحیح مطالب، حتماً دیباچه فصول کتاب را یک به یک مطالعه نموده و سپس اقدام به خواندن آن بخش نمایید.

انتقادات و پیشنهادات خود و یا هر سوال مرتبط با زبان انگلیسی خود را حتماً با ما از طریق آدرس GeneralEnglish.ir@gmail.com در میان گذارید.

وظیفه خود می‌دانیم از جناب آقای دکتر مجید ایوزیان که در طول مراحل گردآوری این کتاب همراهان بودند و زمانی که بیشترین نیاز به روحیه‌ای جهت ادامه دادن این کار تحقیقاتی داشتیم، از هیچ کمکی دریغ ننمودند تشکر نماییم.

و این کتاب تقدیم به لبخند کوچکی از پدر و مادر عزیزمان که تمام داشته‌مان را مدیونشانیم.

هادی جهانشاهی - الناز یوسف زاده بری

۲ آبان ۱۳۹۱



پاسخ زبان عمومی کنکورها

در این بخش به "چهل و پنج" دوره سوالات زبان عمومی از سال ۸۶ الی ۹۲ پاسخ داده شده است. این پاسخ‌ها کاملاً تشریحی بوده و علاوه بر آن، تحلیل سوالات و ذکر منبع مورد استفاده طراحان برای سوالات نیز برای اولین بار عنوان شده است.

این موضوع به شما کمک خواهد نمود تا با روند طراحی سوالات کنکور کارشناسی ارشد، در طی این سال‌ها آشنا شده و از سردرگمی‌های معمول میان دانشجویان، پیرامون ده تست اول تمامی رشته‌ها رها شوید.

برای کلیه لغات موجود در گزینه‌ها، علاوه بر ترجمه کامل، مترادفات انگلیسی آن نیز آورده شده تا کلمات را نه با مترادف فارسی بلکه با معانی اصلی آن یاد بگیرید.

جمع آوری مجموعه‌ای این چنین کامل و با ارائه پاسخ‌های کاملاً تشریحی، به داوطلبان عزیز کمک خواهد نمود در قالب مجموعه‌ای واحد، نمونه سوالات بسیاری را تمرین نمایند.

به منابعی که برای هر تست ذکر شده دقت نمایید. این منابع الگوی ما بودند تا بخش‌های ۳ و ۴ کتاب را بر این مبنا بچینیم. طراحی سوالات مشابه، با مثال‌های متعددی که در آن بخش‌ها آورده‌ایم، یادگیری معانی لغات را در قالب جملاتی مهم و پرکاربرد، ساده‌تر خواهد نمود. بخش ۳ شامل تست‌های منتخب و تألیفی از این منابع و آخرین بخش کتاب، شامل مثال‌هایی مهم، مفهومی و البته ساده از این منابع برای تمام لغات استفاده شده در کنکور کارشناسی ارشد دانشگاه سراسری می‌باشد.

برای راحتی کار، پاسخ تست‌ها با الگوی زیر در انتهای هر نوبت آزمون آورده شده تا بتوانید به راحتی به جواب گزینه‌ها دسترسی پیدا نمایید:

شماره سوال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
گزینه صحیح	۱	۲	۳	۳	۲	۴	۴	۱	۳	۱

ترتیب پاسخ گزینه‌های صحیح →

◀ چرا پاسخ زبان عمومی سایر رشته‌ها را می‌بایست مطالعه نمود؟

سوالات تمامی گروه‌ها و تمامی نوبت‌های آزمونی کاملاً همگن بوده و از مشابهت بسیاری برخوردارند. با پاسخگویی به سوالات در خواهید یافت که برای مثال گزینه و کلمه‌ای که در سال مشخصی برای گروه مدیریت طرح شده بود، دو سال بعد مورد سوال گروه مهندسی عمران بود. حتی در سال‌هایی بوده که کلمه‌ای خاص در تمام نوبت‌های آزمونی آن سال با معانی مختلف تکرار شده است. این‌ها اهمیت مطالعه سایر گروه‌ها را برای شما نشان می‌دهد و این مرور سوالات سبب ارتقای دامنه لغات شما برای پاسخگویی به سوالات کنکور سال‌های آتی خواهد بود.

◀ چگونه این بخش را مطالعه نماییم؟

این بخش را با پاسخ از آخرین سال شروع نمایید. سوالات سال ۸۶ شامل تست‌های گرامر نیز می‌باشد که در سال‌های اخیر از میان ۱۰ تست اولیه به کلی کنار گذاشته شده است. حتماً به گزینه‌هایی که پاسخ سوال نیستند نیز دقت نمایید زیرا ممکن است همان گزینه در سال دیگری مطرح شده باشد. از پاسخگویی صرف، به سوالات گروه خود اجتناب نمایید و دید یکسانی را به سوالات تمامی گروه‌ها داشته باشید زیرا ارزش و اولویت سوالات هیچ گروه آزمایشی بالاتر از سایر گروه‌ها نیست.

منطقاً مطالعه این بخش را از سال ۹۲ شروع کرده و با سال ۸۶ به پایان رسانید.

شایان ذکر است که سوالات تمامی نوبت‌های آزمونی در چاپ‌های آتی، سال به سال به این بخش از کتاب افزوده خواهد شد و پاسخ سوالات کنکورها به روز خواهد گردید.



کنکور کارشناسی ارشد

زبان عمومی (بخش واژگان)
کلیه رشته ها و گرایشات



مجموعه مدیریت (۱۱۴۲) - مجموعه مهندسی مکانیک (۱۲۶۷) - حسابداری (۱۱۳۴) - مجموعه آمار (۱۲۰۷)
مجموعه تربیت بدنی و علوم ورزشی (۱۱۰۶) - مجموعه زمین شناسی (۱۲۰۱) - مجموعه شیمی (۱۲۰۳)

1. Symptoms of the illness include a high temperature and a(n) dry cough.
1) effective 2) persistent 3) respected 4) considerate
2. You can protect the floor withsheets of newspaper if you want to paint the walls.
1) mediating 2) restricting 3) overlapping 4) approaching
3. Modern examples of this type of weaving for Persian carpets in the region show little from traditional patterns.
1) deviation 2) relevance 3) application 4) permanence
4. The road the highway a mile from here - you can't miss the signs for it.
1) intersects 2) interferes 3) intervenes 4) intercepts
5. The love and support of his family him during his time in prison and made him feel less desperate there.
1) resolved 2) sustained 3) assumed 4) determined
6. Anita had a(n) arrangement with her brother - each would take care of the other's children if the need arose.
1) adjacent 2) coherent 3) analogous 4) reciprocal
7. Despite some doubts by the experts, the of this painting to Rembrandt had never been questioned.
1) attribution 2) simulation 3) association 4) specification
8. You had better not the car unlocked in this area - not even for a minute.
1) left 2) leave 3) to leave 4) leaving
9. He is studying mathematics so as for higher salary.
1) to qualify 2) qualifying 3) qualification 4) he qualifies
10. No sooner had he drunk the coffee he began to feel drowsy.
1) that 2) when 3) than 4) which

۲ ۳ ۱ ۱ ۲ ۴ ۱ ۲ ۱ ۳

۱- گزینه «۲»

علائم بیماری شامل درجه تب بالا و سرفه خشک مزمن است. **برگرفته از دیکشنری کمبریج**

Effective	Successful	(۱) کاری، موثر، مفید
Persistent	Chronic	(۲) مزمن، مداوم
Respected	Honorable	(۳) محترم، ستوده
Considerate	Thoughtful	(۴) با ملاحظه، محتاط

۲- گزینه «۳»

اگر شما می‌خواهید دیوارها را رنگ بزنید، می‌توانید کف {زمین} را با ورق‌های روزنامه روی هم افتاده محافظت کنید (پوشانید).

Mediate	Intervene	(۱) میانجی‌گری کردن، وساطت کردن
Restrict	Confine	(۲) منحصر کردن، محدود کردن
Overlap	Lap	(۳) پوشاندن، بر روی هم قرار گرفتن
Approach	Move toward	(۴) رسیدن، نزدیک شدن

۳- گزینه «۱»

نمونه‌های مدرن از این نوع بافت در فرش‌های ایرانی در این منطقه، انحراف (تفاوت) کمی از الگوهای سنتی را نشان می‌دهد.

Deviation	Divergence	(۱) انحراف، کج رویی، تفاوت
Relevance	Connection	(۲) ربط، ارتباط، وابستگی
Application	Implementation	(۳) اعمال، استفاده، اجرا
Permanence	Stability	(۴) پایداری، ثبات، دوام

۴- گزینه «۱»

جاده در یک مایلی اینجا، بزرگراه را قطع می‌کند؛ شما ممکن نیست علائم {تابلوهای راهنمای} آن را از دست بدهید (نبینید).

Intersect	Cross	(۱) (از وسط) قطع کردن، تقسیم کردن
Interfere	Disturb	(۲) دخالت کردن، مزاحم شدن
Intervene	Intercede	(۳) مداخله کردن، پا در میانی کردن
Intercept	Stop	(۴) جلو کسی را گرفتن، حائل شدن

۵- گزینه «۲»

عشق و حمایت خانواده‌اش، او را در دوران زندان {بودنش} نگه داشت و باعث شد در آنجا کمتر احساس ناامیدی بکند.

Resolve	Settle	(۱) حل کردن، رفع کردن
Sustain	Bear	(۲) نگه داشتن، تحمل کردن
Assume	Presume	(۳) فرض کردن، پنداشتن، انگاشتن
Determine	Decide	(۴) تصمیم گرفتن، مصمم شدن

۶- گزینه «۴»

آنی‌تا قول و قرار دو طرفه‌ای با برادرش داشت؛ هر کدام در صورت بروز نیاز از بچه‌های یکدیگر مراقبت خواهند کرد.

Adjacent	Adjoining	(۱) هم‌جوار، مجاور
Coherent	Logical	(۲) دارای ارتباط منطقی، منسجم
Analogous	Comparable	(۳) قابل مقایسه، قابل قیاس
Reciprocal	Mutual	(۴) دوطرفه، متقابل، عمل متقابل

۷- گزینه «۱»

با وجود برخی از شک و تردیدها {موجود} توسط کارشناسان، {اما} نسبت این نقاشی به رامبراند هرگز مورد سوال قرار گرفته نشده بود.

Attribution	Allocation	(۱) تخصیص، نسبت، استناد
Simulation	a model for teaching & testing	(۲) شبیه سازی
Association	Relationship	(۳) ارتباط، پیوستگی
Specification	Identification	(۴) مشخصه، معیار، ویژگی

۸- گزینه «۲»

بهتر است شما ماشین را قفل نشده (باز) در این مکان رها نکنی، حتی برای چند دقیقه.

Leave	Set of	ترک کردن، دست کشیدن
--------------	--------	---------------------

نکته: با توجه به قاعده مربوط به *would rather* و *had better* بعد از هر دوی این‌ها اصولاً فعل به صورت ساده می‌آید.

۹- گزینه «۱»

او در حال تحصیل در رشته ریاضیات است تا واجد شرایط (دریافت) حقوق بالا باشد.

شایستگی پیدا کردن، واجد شرایط شدن to qualify | be eligible

◀ نکته: با توجه به قاعده مربوط به so as to do something بایستی فعل بعد از so as حالت to be بیاید.

۱۰- گزینه «۳»

او هنوز قهوه‌اش را نخورده بود که بلافاصله (شروع به) احساس خستگی کرد.

یا

به محض آنکه قهوه‌اش را نوشید، احساس خستگی به او دست داد.

◀ نکته: قاعده مربوط به No sooner ... than ... است و به معنای انجام گرفتن کاری است که تقریباً بلافاصله بعد از کار دیگر رخ می‌دهد.

◀ نکته: با توجه به قاعده مربوط به No sooner ... than ... در صورت استفاده از No sooner در ابتدای جمله نیز، بایستی فعل (فعل کمکی) قبل از فاعل آورده شود.

No sooner had he drunk the coffee than he began to feel drowsy.

OR

He had no sooner drunk the coffee than he began to feel drowsy.

•

•

•

این صفحات طبق صحبت با ناشر محترم،

حذف گردیده و تنها در نسخه چاپی قابل

مشاهده است

•

•

•

•



•



۹۱

کنکور
کارشناسی ارشد

زبان عمومی (بخش واژگان)
کلیه رشته ها و گرایشات



مهندسی صنایع - سیستم و بهره وری (۱۲۶۰) - مجموعه مدیریت اجرایی (۱۱۴۸) - مهندسی مواد (۱۲۷۳)
مجموعه مهندسی نفت (۱۲۵۳) - مهندسی IT (۱۲۷۶) - کتابداری و اطلاع رسانی (۱۱۱۹) - HSE (۱۲۹۳)
مهندسی هوافضا (۱۲۷۹) - مهندسی پلیمر (۱۲۸۶، ۱۲۵۵) - مدیریت نساجی (۱۲۸۸) - طراحی شهری (۱۳۵۱)
مهندسی تولیدات گیاهی (۱۳۱۰) - مهندسی کشاورزی (۱۳۱۴، ۱۳۲۲، ۱۳۲۴، ۱۳۲۳، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷)
برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای (۱۳۵۰) - پژوهش هنر (۱۳۵۹) - مدیریت پروژه (۱۳۶۱) - ایمنی صنعتی (۱۴۲۲)
و کد رشته‌های (۱۱۰۳، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۲۳، ۱۱۲۵، ۱۱۲۷، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۶، ۱۲۰۲،
۱۲۰۵، ۱۲۰۹، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۵۶، ۱۲۶۲، ۱۲۶۶، ۱۲۸۵، ۱۲۸۷، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰،
۱۲۹۲، ۱۳۲۰، ۱۳۵۳، ۱۳۵۶، ۱۳۶۱، ۱۴۰۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۱، ۱۴۰۹، ۱۴۱۶، ۱۴۱۸، ۱۴۲۰، ۱۴۱۹، ۱۵۰۱)

1. Ancient alchemists believed that it was possible to lead into gold.
1) mingle 2) direct 3) transfer 4) transmute
2. Dan always beats me at chess because he develops such an game plan that I can never predict his next move.
1) eventual 2) ambiguous 3) elaborate 4) objective
3. His election as President represented the of his career.
1) summit 2) motivation 3) triangle 4) periphery
4. She found the job frustrating, and felt she wasn't anything there.
1) flourishing 2) accomplishing 3) evolving 4) satisfying
5. Britain's over its colonies was threatened once nationalist sentiment began to spread around the world.
1) hegemony 2) preference 3) compromise 4) independence
6. He all of his success to his mother's undying encouragement.
1) interprets 2) converts 3) attributes 4) results
7. You can the flavor of most dishes with the careful use of herbs.
1) initiate 2) impress 3) precede 4) enhance
8. The pirate Blackbeard had a reputation for being a harsh man.
1) reliable 2) ruthless 3) perpetual 4) prevalent
9. Being a direct relative of the deceased, her claim to the estate was
1) prominent 2) profound 3) legitimate 4) reckless
10. There are more than thirty species of rattlesnakes, varying in length from 20 inches to six feet and also varying in of venom.
1) domination 2) detection 3) conquest 4) toxicity

۱- گزینه «۴»

کیمیایان عصر باستان اعتقاد داشتند که تبدیل سرب به طلا شدنی است.

The Top 250 Most Difficult SAT Words برگرفته از

Mingle	Mix, Blend	(۱) آمیختن، ترکیب شدن
Direct	Guide, Manage	(۲) هدایت کردن، راهنمایی کردن
Transfer	Move	(۳) انتقال دادن، جابجا کردن
Transmute	Alter, Change	(۴) تبدیل کردن، تغییر ماهیت دادن

۲- گزینه «۳»

دن همیشه مرا در شطرنج شکست می دهد زیرا او چنان طرح بازی استادانه ای (پیچیده) را می سازد که من هرگز نمی توانم حرکت بعدی او را پیش بینی کنم.

Eventual	Ultimate	(۱) نهایی، آخرین، سرانجام
Ambiguous	Equivocal	(۲) مبهم، دویپهلو
Elaborate	Complicated	(۳) استادانه، پیچیده، با جزئیات
Objective	Impartial	(۴) بی طرف، منصفانه، بی غرض

۳- گزینه «۱»

انتخاب او بعنوان رییس جمهور حاکی از نقطه اوج دوره کاریش بود. برگرفته از دیکشنری لانگمن

Summit	Peak, Top	(۱) اوج، قله، درجه اعلی
Motivation	Drive, Ambition	(۲) انگیزه، محرک
Triangle	Three-sided polygon	(۳) سه گوش، مثلث
Periphery	Margin, Edge	(۴) پیرامون، حدود، محیط

۴- گزینه «۲»

او کار را خسته کننده یافت، و احساس کرد که به هیچ چیزی در آنجا نمی رسد.

Flourish	Grow	(۱) رشد کردن
Accomplish	Achieve, Fulfill	(۲) بدست آوردن، با موفقیت به پایان بردن
Evolve	Develop	(۳) گسترش دادن، تکامل یافتن
Satisfy	Gratify, Convince	(۴) راضی کردن، خشنود کردن

۵- گزینه «۱»

تسلط بریتانیا بر مستعمراتش هنگامی که احساسات ملی گرایانه شروع به انتشار در سراسر دنیا کرد، مورد تهدید قرار گرفت.

برگرفته از 1000 Most Vocabulary SAT

Hegemony	Dominance, Leadership	(۱) تسلط، تفوق، حاکمیت
Preference	Priority, Liking	(۲) برتری، تقدم، الویت
Compromise	Agreement, Give & Take	(۳) سازش، مصالحه، بده بستان
Independence	Self-sufficiency	(۴) استقلال، بی نیازی

۶- گزینه «۳»

او تمامی موفقیت‌هایش را به تشویق‌های دائمی (بی پایان) مادرش نسبت می‌دهد.

برگرفته از 1000 Most Vocabulary SAT

Interpret	Explain	(۱) تفسیر کردن، ترجمه شفاهی کردن
Convert	Turn, Change	(۲) تبدیل کردن، برگرداندن
Attribute	Ascribe	(۳) نسبت دادن (به)
Result	End in	(۴) منتج شدن، نتیجه دادن

۷- گزینه «۴»

شما می‌توانید طعم بیشتر خوراک‌ها را با استفاده دقیق از گیاهان افزایش دهید.

Initiate	Commence, Begin	(۱) آغاز کردن، بنیاد نهادن
Impress	Influence Strongly	(۲) تحت تأثیر قرار دادن
Precede	Come before	(۳) مقدم بودن بر، اولویت داشتن
Enhance	Intensify, Increase	(۴) بالا بردن، زیاد کردن

۸- گزینه «۲»

دزد دریایی بلکبرد بدلیل اینکه مردی خشن و ظالم بود، شهرت داشت.

Reliable	Dependable	(۱) قابل اعتماد، موثق
Ruthless	Merciless	(۲) ظالم، بی رحم
Perpetual	Everlasting, Continuous	(۳) دائمی، ابدی، جاودانی
Prevalent	Widespread	(۴) شایع، مرسوم

۹- گزینه «۳»

چون او خویشاوند نزدیک مرحوم بود، ادعایش در مورد دارایی‌های {متوقی} مشروع (قانونی) بود.

برگرفته از *Vocabulary for TOEFL IBT* و *1001 Vocabulary*

Prominent	Conspicuous, Well-known	(۱) مهم، برجسته
Profound	Deep	(۲) عمیق، ژرف
Legitimate	Lawful, Legal	(۳) مشروع، قانونی
Reckless	Careless, Headless	(۴) بی پروا، بی ملاحظه

۱۰- گزینه «۴»

بیش از ۳۰ گونه مار زنگی وجود دارد، که از نظر طول از ۲۰ اینچ تا ۶ فوت و همچنین {از نظر} سمی بودن زهر تنوع دارند.

Domination	Mastery, Government	(۱) سلطه، چیرگی
Detection	Discovery	(۲) کشف، تشخیص، آشکارسازی
Conquest	Defeat, Seizure	(۳) غلبه، فتح
Toxicity	Quality of being Poisonous	(۴) سمی بودن

•

•

•

این صفحات طبق صحبت با ناشر محترم،

حذف گردیده و تنها در نسخه چاپی قابل

مشاهده است

•

•

•

•


•



۹۲

کنکور
کارشناسی ارشد

زبان عمومی (بخش واژگان)
کلیه رشته ها و گرایشات



•

•

•

این صفحات طبق صحبت با ناشر محترم،

حذف گردیده و تنها در نسخه چاپی قابل

مشاهده است

•

•

•

•

•

مجموعه مدیریت (۱۱۴۲) - حسابداری (۱۱۳۴) - مجموعه مهندسی مکانیک (۱۲۶۷) - مجموعه شیمی (۱۲۰۳)
مجموعه تربیت بدنی و علوم ورزشی (۱۱۰۶) - مجموعه آمار (۱۲۰۷) - مجموعه زمین شناسی (۱۲۰۱)

- 1- If you are convicted of hit-and-run driving, your driving privilege will be..... .
1) interceded 2) revoked 3) manipulated 4) violated
- 2- Surfing the internet can you with information: that's why a web browser comes in handy.
1) pursue 2) elude 3) accost 4) inundate
- 3- The owner was so he refused to purchase new curtains when the old ones fell off the window.
1) parsimonious 2) compensatory 3) emphatic 4) discretionary
- 4- In times of severe, companies are often forced to make massive job cuts in order to survive.
1) integrity 2) stability 3) recession 4) diversification
- 5- Singh told reporters that he had not seen such human suffering in any previous natural
1) habitat 2) recourse 3) perfidy 4) calamity
- 6- Like many members of the animal kingdom, people will readily lend a hand to immediate family and relatives. But humans alone extend beyond kin, frequently helping perfect strangers for no obvious personal gain.
1) patriotism 2) altruism 3) heroism 4) protectionism
- 7- Repairs would the closure of the bridge for six months.
1) exert 2) endure 3) entail 4) extrapolate
- 8- Dental caries, the culprit behind the creation of cavities, is the most infectious disease in humans, affecting 97 percent of people at some point in their lifetime.
1) prevalent 2) haphazard 3) coincident 4) unanimous
- 9- The exact mechanism by which exercise strength remains unclear, but its basic principles are understood.
1) penetrates 2) augments 3) propagates 4) inserts
- 10-I guarantee that you will both have opportunity to express your opinions during the debate.
1) ample 2) equivocal 3) equable 4) ambivalent

۱- گزینه «۲» صحیح است.

اگر شما در تصادف و فرار از صحنه مقصر شناخته شوید، گواهینامه رانندگی شما لغو خواهد شد.

با اندکی تغییر برگرفته از کتاب *Vocabulary-English in Context*

Intercede	Mediate	(۱) حل و فصل کردن، پادرمیانی کردن
Revoke	Cancel	(۲) لغو کردن، حذف کردن
Manipulate	Operate	(۳) فرمان دادن (زیرکانه)، دست کاری کردن
Violate	Contravene	(۴) تخلف و تجاوز کردن، حرمت شکاندن

۲- گزینه «۴» صحیح است.

گشت و گذار در اینترنت می تواند شما را غرق اطلاعات کند، به همین دلیل است که یک مرورگر به کار شما خواهد آمد. برگرفته از *GRE Vocabulary Builder Interactive Flashcard Book*

Pursue	Follow	(۱) دنبال کردن، پی گیری کردن
Elude	Evade	(۲) فرار کردن، طفره رفتن
Accost	Speak, Approach	(۳) صحبت کردن (با تهدید)، نزدیک شدن
Inundate	Flood, Overwhelm	(۴) مستغرق کردن، اشباع کردن

۳- گزینه «۱» صحیح است.

مالک به قدری خسیس بود {که} او حاضر به خریدن پرده های نو هنگامیکه قدیمی ها از پنجره افتاده بودند، نبود. برگرفته از *SAT Vocabulary Builder Interactive Flashcard Book*

Parsimonious	Mean, Stingy	(۱) خسیس
Compensatory	Intended to recompense	(۲) جبرانی
Emphatic	Firm, Insistent	(۳) با تاکید، موکد
Discretionary	Optional, Voluntary	(۴) انتخابی، اختیاری

۴- گزینه «۳» صحیح است.

در زمان رکود شدید اقتصادی، شرکت ها اغلب برای نجات یافتن مجبور به کاهش شغل های گسترده ای (تعدیل نیرو) می شوند. برگرفته از *تست ها و جزوه کلاسی GRE دکتر برزآبادی*

Integrity	Honesty	(۱) راستی، درستي
Stability	Firmness	(۲) پایداری، بقاء، تداوم
Recession	Economic decline	(۳) رکود، بحران اقتصادی
Diversification	Process of becoming varied	(۴) گوناگون شدن

۵- گزینه «۴» صحیح است.

سینگ به خبرنگاران گفت که او این چنین انسانی را که در هر فاجعه طبیعی گذشته رنج ببرد، ندیده بود.

Habitat	Natural environment	(۱) زیست بوم، محل سکونت طبیعی
Recourse	Option, Possibility	(۲) چاره، راهکار
Perfidy	Treachery	(۳) خیانت، بی وفایی، دو رویی
Calamity	Disaster	(۴) مصیبت، بدبختی، بیچارگی

۶- گزینه «۲» صحیح است.

همانند بسیاری از اعضا دنیای حیوانات، انسان‌ها با کمال میل به خانواده و خویشاوندان نزدیک دست یاری دراز خواهند نمود. اما صرفاً انسان‌ها نوع دوستی را فراتر از اقوام بسط و توسعه می‌دهند و اغلب به غریبه‌های {افراد کاملاً ناآشنا} بدون هیچ سود شخصی مشخصی کمک می‌کنند.

Patriotism	Nationalism	(۱) میهن پرستی
Altruism	Unselfishness	(۲) نوع دوستی، دلسوزی، دگر دوستی
Heroism	Bravery	(۳) پهلوانی، شجاعت
Protectionism		(۴) سیستم حمایت از تولیدات داخلی

۷- گزینه «۳» صحیح است.

تعمیرات مستلزم تعطیلی پل به مدت ۶ ماه خواهد بود. *Build Your Vocabulary* برگرفته از

Exert	Apply, Try hard	(۱) به کار بستن، تلاش کردن
Endure	Undergo	(۲) زیر بار (چیزی) رفتن، تاب آوردن
Entail	Involve	(۳) شامل بودن، مستلزم بودن
Extrapolate	Guess	(۴) از روی حقایق پیش بینی کردن آینده

۸- گزینه «۱» صحیح است.

پوسیدگی دندان، مسبب اصلی ایجاد کرم خوردگی‌ها، شایع‌ترین بیماری عفونی در انسان‌ها است {که} ۹۷ درصد از مردم را در بعضی از نقاط زندگی‌شان تحت تأثیر قرار می‌دهد. {مبتلای خود می‌کند}.

Prevalent	Widespread	(۱) متداول، شایع
Haphazard	by chance	(۲) تصادفی، بدون برنامه، اتفاقی
Coincident	Concurrent	(۳) متقارن، هم‌زمان، منطبق
Unanimous	Unified	(۴) متفق‌القول، متحد



۹- گزینه «۲» صحیح است.

مکانیسم دقیقی که توسط آن تمرینات، قدرت را افزایش می‌دهد نامشخص باقی ماند اما اصول اساسی آن درک شد.

Penetrate	Pierce	(۱) نفوذ و رخنه کردن
Augment	Increase	(۲) افزایش دادن، افزودن، الحاق کردن
Propagate	Breed, Spread	(۳) قلمه زدن، انتشار دادن، پخش کردن
Insert	Put	(۴) گذاشتن، قرار دادن

۱۰- گزینه «۱» صحیح است.

من تضمین می‌دهم که هر دوی شما فرصت کافی برای بیان عقایدتان را در طی مناظره را خواهید داشت.

Ample	Enough, Plentiful	(۱) کافی، فراخ، گسترده
Equivocal	Ambiguous	(۲) مبهم، دو پهلوی
Equable	Calm	(۳) آرام، ساکن، خونسرد
Ambivalent	Uncertain	(۴) نامعلوم، نامطمئن، دمدمی مزاج

•

•

•

این صفحات طبق صحبت با ناشر محترم،

حذف گردیده و تنها در نسخه چاپی قابل

مشاهده است

•

•

•

•

•



تست‌های منتخب و تالیف

تست‌های این بخش جهت مرور نهایی و جمع بندی قرار گرفته است. دلیل عدم ارائه پاسخ تشریحی و ترجمه در این بخش نیز همین موضوع است که می‌بایست پس از تسلط کامل به مبحث واژگان (شامل ترجمه، مترادف و کاربرد آن در جمله) و پاسخ دهی به سوالات کنکور به این بخش مراجعه نمایید.

سوالات منتخب از منابع مهمی که پیش از این سابقه طراحی سوال از آن‌ها وجود داشته، برگزیده و جهت تثبیت لغات در ذهن شما ارائه شده است. سوالات تألیفی نیز منطبق با روند سال‌های اخیر و یادآوری گزینه‌های پرکاربرد طراحی شده‌اند تا سنجشی مناسب از دانسته‌های شما به عمل آید.

در انتهای هر آزمون، معانی کلمات مشکل آن در جدولی برای راحتی خوانندگان محترم گردآوری شده است.

در این مجموعه تست لغات جدید و بعضاً سخت نیز آورده شده تا خواننده کتاب به این درک برسد که الزامی ندارد با خواندن این کتاب جامع، تمام لغاتی را که در کنکور خواهد دید از پیش فرا گرفته است. بدیهی است که هر آزمون تلفیقی است از لغات نو و لغاتی که پیش از این با آن‌ها برخورد کرده‌ایم.

تعداد آزمون‌های این بخش در چاپ‌های آینده افزایش خواهد یافت.

سری اول سوالات منتخب

1. The president differs from the past president on healthcare reform issues.
1) talkative 2) accomplished 3) artificial 4) incumbent
2. The data supports the belief that there has been an increase in population in the county.
1) nominal 2) demographic 3) practical 4) nocturnal
3. The collected from real estate taxes helped to balance the town budget.
1) domain 2) remainder 3) revenue 4) assessment
4. We were tired when we reached the, but the spectacular view of the valley below was worth the hike.
1) circumference 2) summit 3) fulcrum 4) nadir
5. The suit had a(n) odor, as if it had been stored in a trunk for a long time.
1) aged 2) scented 3) musty 4) decrepit
6. The teacher put the crayons on the bottom shelf to make them to the young children.
1) accessible 2) receptive 3) eloquent 4) ambiguous
7. My computer was state-of-the-art when I bought it three years ago, but now it is
1) current 2) dedicated 3) unnecessary 4) outmoded
8. Visiting all the tea shops in the city, they were on a to find the perfect cup of tea.
1) surge 2) quest 3) discovery 4) cadence
9. Their conversation was considered playful between two old friends.
1) antics 2) banter 3) behavior 4) activities
10. He tried to the sinking morale of his friend in the hospital.
1) sustain 2) foster 3) bolster 4) nourish

۴ ۲ ۳ ۲ ۳ ۱ ۴ ۲ ۲ ۳

۱- گزینه «۴»	Incumbent	Present, Current	فعلی، کنونی
۲- گزینه «۲»	Demographic	pertaining to demography	مرتبط با سرشماری نفوس
۳- گزینه «۳»	Revenue	Income, Taking	منافع، سود، درآمد
۴- گزینه «۲»	Summit	Top, Peak	قله، نوک کوه
۵- گزینه «۳»	Musty	Stale, Fusty	کیک زده، بوی کپک و نامطبوع
۶- گزینه «۱»	Accessible	Reachable	در دسترس
۷- گزینه «۴»	Outmoded	Old-fashioned	از مد افتاده
۸- گزینه «۲»	Quest	Search, Hunt	جست و جو و دنبال چیزی بودن
۹- گزینه «۲»	Banter	Joke, Jest	شوخی طبعی و خوشمزگی کردن
۱۰- گزینه «۳»	Bolster	Strengthen, Reinforce	تقویت کردن

talkative	حراف	remainder	پس مانده، باقیمانده
circumference	محیط، پیرامون	aged	سالخورده و پیر
scented	معطر و خوشبو	decrepit	نحیف، پیر و فرتوت
playful	شوخی و شنگول	antic	شوخی، شیطنت

•

•

•

این صفحات طبق صحبت با ناشر محترم،

حذف گردیده و تنها در نسخه چاپی قابل

مشاهده است

•

•

•

•

•

سری سوم سوالات تالیفی

1. A good company pension scheme remains a weapon for attracting staff.
1) durable 2) empirical 3) potent 4) hazardous
2. The government imposed a tax on fuels which to global warming.
1) constituted 2) attributed 3) contributed 4) recruited
3. Despite our best, we couldn't start the car.
1) incorporates 2) perceptions 3) endeavors 4) discernments
4. This meeting will be the first between the party leaders since the election.
1) beg 2) inherit 3) intend 4) encounter
5. Aid workers were said to have been filled with by the appalling conditions that the refugees were living in.
1) relinquish 2) dismay 3) distinguish 4) distinct
6. The war, and the fall in trade, have had a devastating effect on the country.
1) cooperative 2) corresponding 3) corrosive 4) coordinated
7. We are greatly excited by the of training these dentists to provide for local health needs.
1) prospect 2) sanction 3) ruin 4) precision
8. It's very difficult to yourself into a society whose culture is so different from your own.
1) exert 2) discern 3) demonstrate 4) integrate
9. This product is in size and with little existing infrastructure.
1) immense 2) mandatory 3) utterly 4) conveniently
10. We are only interested in the parts of the proposals that to local issues.
1) abstain 2) pertain 3) assert 4) monopolize

۳ ۳ ۳ ۴ ۲ ۲ ۱ ۴ ۱ ۲

- ۱- گزینه «۳»
Potent | Powerful, Strong, Cogent نیرومند، قوی، متقاعد کننده
- ۲- گزینه «۳»
Contribute | Donate, Give, Provide کمک کردن، بخشیدن، اهدا کردن
- ۳- گزینه «۳»
Endeavor | Attempt, Effort تلاش و کوشش
- ۴- گزینه «۴»
Encounter | Chance Meeting, Confrontation رویارویی، مواجهه
- ۵- گزینه «۲»
Dismay | Fear, Shock, Concern ترس، شوکه شدن، دلوپسی
- ۶- گزینه «۲»
Corresponding | Parallel, Similar متناظر، به صورت موازی، همچنین
- ۷- گزینه «۱»
Prospect | Possibilities, Vision, View دورنما، شدنی بودن، انتظار و امید
- ۸- گزینه «۴»
Integrate | Combine, Merge, Unite یکپارچه کردن، یکی شدن
- ۹- گزینه «۱»
Immense | Huge, Vast, Gigantic وسیع، عظیم، غول پیکر
- ۱۰- گزینه «۲»
Pertain | Concern, Belong to نگران بودن، مربوط بودن، وابسته بودن

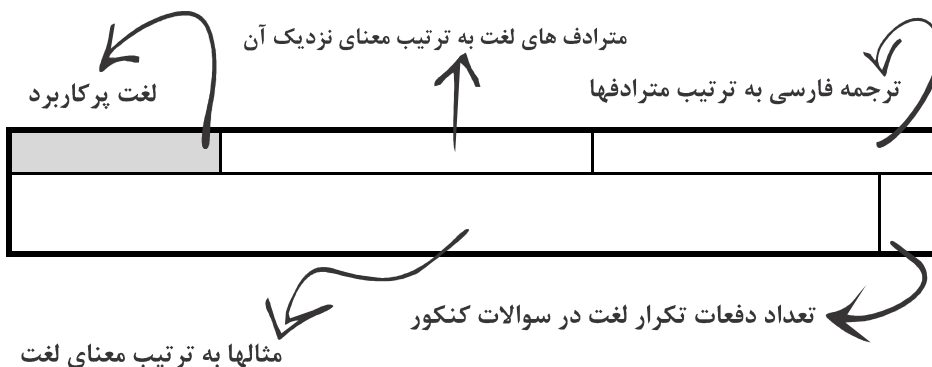
pension	حقوق بازنشستگی	hazardous	ریسکی، پرخطر، نامطمئن
recruit	استخدام کردن	refugee	مهاجر، پناهنده
sanction	جریمه، ضمانت، تحریم	appalling	وحشتناک، شوکه کننده
devastate	ویران کردن، خراب کردن	perception	درک، آگاهی
ruin	خرابی، ویرانی، انهدام	exert	تلاش کردن، به کار بردن
infrastructure	زیربنا، پایه، زیرساخت	monopolize	امتیاز انحصاری گرفتن



راهنمای واژگان کنکور ارشد

این بخش شامل تعداد تقریبی ۲۰۰۰ لغت بدون در نظر گرفتن تکرار و مشتقات کلمات است. نکته منحصر به فرد آن ذکر معنی فارسی، مترادف انگلیسی، کاربرد کلمه حداقل طی دو مثال و اعلام تعداد دفعات تکرار آن در کنکورهای مختلف از سال ۸۶ تا ۹۲ است.

جدول زیر طبقه استفاده صحیح از این بخش را عنوان می‌نماید:



توجه: در مطالعه این فصل دقت نمایید که تنها واژه‌های پرتکرار را مطالعه نفرمایید. سایر لغات نیز از درجه اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و الزامی به تکرار شدن لغتی که ۱۵ بار در کنکور آمده است در سال‌های آتی نمی‌باشد. ما در انتخاب لغات تلاش کرده‌ایم تا لغات زائد به کلی از این میان حذف شده باشند. بنابراین عدد تکرار، تنها به جهت دقت شما به موضوع تشابه سوالات گروه‌های مختلف قرار داده شده است.

◀ واژگان با چه منطقی برگزیده شده‌اند؟

واژگان این بخش، از میان لغات مهم و پرتکرار کنکور کارشناسی ارشد سال‌های ۸۵ تا ۹۲، کنکور دکتری و لغات مهم کتاب‌های زیر با دقت و وسواس خاصی انتخاب شده‌اند:

- The 1000 Most Common SAT Words
- Essential Words for the TOEFL
- 504 Absolutely Essential words
- Vocabulary for TOEFL IBT
- 1001 Vocabulary and Spelling Questions
- ...

در این انتخاب بر خلاف سایر کتب مشابه، حتی‌الامکان استفاده از کلمات بسیار ساده پرهیز شده و تکرار یک لغت در قالب فعلی، اسمی، قیدی و صفت تنها در صورتی رخ داده که آن کلمه معنای متفاوتی را در بر گرفته باشد. به همین جهت این واژگان را می‌توان عصاره کتب منتخب و سال‌های گذشته کنکور کارشناسی ارشد دانست. همچنین از لغات درون این کتب تنها لغات معمول و نه لغات غیرمتداول به لیست‌مان اضافه شده است.

◀ مثال‌ها و معانی لغات بر چه مبنا و از چه منابعی انتخاب شده است؟

بدلیل استفاده از معانی مختلف یک لغت طی آزمون‌های گذشته، تا جای ممکن از قرار دادن یک معنی اجتناب شده است. یادگیری یک معنی کافی نخواهد بود اما معانی به گونه‌ای تنظیم شده که مترادفات به ترتیب اولویت قرار گرفته باشند. همچنین با دقت بالایی می‌توان گفت ترتیب مثال، معنی و مترادف به گونه‌ای است که معنی اول یک کلمه و اولین مترادف و اولین مثال در یک راستا بوده و معنی دوم در مترادف دوم و مثال دوم به کار رفته باشد. این موضوع شما را از اشتباه در درک معنی دور خواهد نمود.

"کاربردهای لغت در جمله و مثال‌ها"، تماماً از میان برترین کتب زبان انگلیسی و منابعی که بیشترین استفاده را در کنکورهای اخیر داشته‌اند برگزیده شده است:

- Longman Dictionary of Contemporary Eng
- The Oxford English Dictionary
- Cambridge Advanced Learner's Dictionary
- MacMillan English Dictionary
- Merriam-Webster's Learner's Dictionary
- ...

از میان مثال‌ها نیز تنها مثال‌هایی را انتخاب نموده‌ایم که در عین سادگی، معنای کلمه مورد نظر را به وضوح به ذهن خواننده رسانده و جذابیت مثال به گونه‌ای باشد که معنی لغت در دراز مدت نیز به ذهن شما متبادر گردد.

◀ آیا در کنار خواندن این کتاب، نیازی به مطالعه کتب ۵۰۴ و تافل هست؟

حتماً به توضیحات مقدمه کتاب توجه نمایید. می‌بایست به شما متذکر شویم که کلیه لغات مهم این دو کتاب به همراه مثال‌های جدید در این کتاب گنجانده شده و شما از خواندن چند منبع بی‌نیاز خواهید شد.



A

abandon	leave, give up, renounce	ترک کردن، رها کردن، واگذار کردن
<ul style="list-style-type: none">✓ We had to abandon the car and walk the rest of the way.✓ Her natural mother had abandoned her at an early age.		۳
abase	degrade, humiliate, belittle	تحقیر نمودن، پست انگاشتن
<ul style="list-style-type: none">✓ I watched my colleagues abasing themselves before the board of trustees. من همکاران را دیدم در حالی همدیگر را در حضور هیأت مدیره تحقیر می کردند.		۱
abate	become less strong, subside	فروکش کردن، کم شدن، کاهش
<ul style="list-style-type: none">✓ The rain poured down (به شدت بارید) for a while, then abated.✓ The fighting in the area shows no sign of abating.		۱
abhor	detest, hate (morally wrong)	منزجر بودن، بیزار بودن، تنفر داشتن
<ul style="list-style-type: none">✓ I abhor all forms of racism.✓ I abhor discrimination (تبعیض) of any kind.		۵
abide	comply, obey, bear, stay	اطاعت کردن، تحمل کردن، ماندن
<ul style="list-style-type: none">✓ He expected everybody to abide by the rules.✓ If there is one thing I cannot abide it is a lack of discipline.		۱
abnormal	not normal, unusual, uncommon	غیر معمول، غیر عادی
abolish	end an activity, scrap, revoke	منسوخ کردن، منقضی شدن
<ul style="list-style-type: none">✓ I think bullfighting should be abolished.✓ Slavery was abolished in the US in the 19th century (قرن).		۱
abound	be plentiful, be full of	سرشار بودن، به وفور بودن، فراوانی
<ul style="list-style-type: none">✓ The forests abound with deer (گوزن), birds and squirrels (سنجاب).✓ Theories abound about how the Earth began.		۱
abridge	shorten, trim, crop	کوتاه کردن، مختصر نمودن، تلخیص
<ul style="list-style-type: none">✓ The cassettes have been abridged from the original stories.✓ The publisher thought the dictionary was too long and abridged it.		۱
abroad	in or to a foreign country	وسیع، گسترده، خارج از کشور
<ul style="list-style-type: none">✓ The books about Harry Potter are popular now, both at home and abroad.✓ There's a rumour abroad that she intends to leave the company.		۵



abrogate	repeal, abolish, revoke, cancel	باطل کردن، لغو کردن، از میان بردن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Both governments voted to abrogate the treaty. ✓ ... a proposal to abrogate temporarily the right to strike ... 		۰
abrupt	sudden, unexpected, hasty	ناگهانی، سریع
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The bus came to an abrupt halt (توقف). ✓ Our conversation came to an abrupt end when David burst into the room. 		۰
absence	non-attendance, lack	غیبت، نبود، فقدان
absorb	suck up, use up, engross	جذب کردن، تحلیل بردن، غرق کردن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ In cold climates, houses need to have walls that will absorb heat. ✓ She was totally absorbed in her book. 		۱
abstain	refrain, avoid, not vote	امتناع کردن، خودداری نمودن، ممتنع
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Benjamin abstained from wine. ✓ Six countries voted for the change, five voted against, and two abstained. 		۱
absurd	unreasonable, illogical, stupid	پوچ، عبث، بی دلیل، احمقانه
<ul style="list-style-type: none"> ✓ What an absurd thing to say! ✓ So you think I'm a spy? How absurd! 		۰
abundant	plentiful, copious	به مقدار فراوان، وافر
abuse	misuse, mistreat, insult	بد بکار بردن، سوء استفاده کردن، دشنام
<ul style="list-style-type: none"> ✓ He is abusing her authority by getting others to do things for her. ✓ Many children suffer racial (نژادی) abuse at school. 		۰
abusive	insulting, rude, offensive	بد زبان، توهین آمیز، تهاجمی
<ul style="list-style-type: none"> ✓ He became abusive and his wife was injured in the struggle. 		۰
accelerate	speed up, hasten, quicken	تسریع نمودن، تند تر شدن، افزودن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ I accelerated to overtake (گرفتن و گیر آوردن) the bus. ✓ Inflation started to accelerate. 		۲
accentuate	emphasize ,focus attention on	مورد تاکید قرار دادن، برجسته کردن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The photograph seemed to accentuate his large nose. ✓ He likes to wear clothes that accentuate his muscular build. 		۰
acceptable	satisfactory, adequate	رضایت بخش، قابل قبول

access	entrance, admission	دسترسی، ورودی، اجازه و مجوز
✓ We were denied access to our grandson (نوه). ✓ We're trying to improve access for disabled visitors.		۳
accession	acquisition, succession	دسترسی، حصول، جلوس تخت پادشاهی
✓ ... the accession of Spain and Portugal into the European Community... ✓ 1926 was the year of Emperor Hirohito's accession to the throne. ۱۹۲۶ سال به مسند پادشاهی رسیدن امپراتور هیروهیتو بود.		۱
accessory	auxiliary, extra, add-on	ضمائم، ملحقات، لوازم کمکی
✓ Sunglasses (عینک آفتابی) are much more than a fashion accessory .		۱
acclaim	praise, cheer, public approval	تشویق کردن، تحسین کردن، هلهله
✓ He was acclaimed as a great painter. ✓ The booklet (کتابچه) has been widely acclaimed by teachers.		۱
acclimate	adapt, adjust	به شرایط جدید خو کردن، مانوس شدن
✓ Dogs take a while to acclimate to a new home. ✓ Daniel is still acclimating himself to his new company.		۰
accolade	praise and approval	ستایشی شایسته مخصوص افراد بزرگ
✓ She received a Grammy Award, the highest accolade in the music business ✓ Her approval was the highest accolade he could have received.		۱
accompany	go along with, join, occur with	همراهی، مشایعت کردن، همزمان شدن
✓ Would you like me to accompany you to your room? ✓ The disease is accompanied by sneezing (عطسه) and fever (تب).		۲
accomplish	fulfill, perform, execute, finish	دست یافتن، با موفقیت به پایان بردن
✓ The students accomplished the task in less than ten minutes. ✓ The planes accomplished their mission.		۱
accord	give, grant, pact, agreement	دادن، اعطا کردن، توافق نامه، موافقت
✓ You will not be accorded any special treatment. ✓ On 31 May the two leaders signed a peace accord . ✓ The project is completely in accord with (در توافق با) government policy.		۱
accost	speak to, approach	صحبت کردن (با تهدید)، نزدیک شدن
✓ He was accosted by a thief, demanding his money or his life. ✓ I'm usually accosted by beggars (ولگرد و گدا) and drunks as I walk to the station.		۱



account for	be responsible, constitute	پاسخگو بودن، مسئول بودن، وضع شدن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ They must account for the delay. ✓ Excise duties (مالیات غیرمستقیم) account for over half the price of Scotch. 		۲
accumulate	gather, collect, amass	جمع کردن (در طول زمان)، اندوختن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ We've accumulated so much rubbish (خرت و پرت) over the years. ✓ A thick layer of dust had accumulated in the room. ✓ ... the accumulation (تجمع) of paperwork on her desk ... 		۳
accurate	exact, precise, correct, right	دقیق، صحیح، درست
<ul style="list-style-type: none"> ✓ We hope to become more accurate in predicting earthquakes. ✓ The cutter is accurate to within ½ a millimeter. 		۲
accuse	charge with, blame for	محکوم کردن، متهم کردن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ "It wasn't my fault." "Don't worry, I'm not accusing you." ✓ The professor stands accused of stealing his student's ideas. 		۴
achieve	attain, reach, accomplish	دست یافتن، کسب کردن
acknowledge	admit, accept, concede	تایید کردن، تصدیق کردن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ You must acknowledge the truth of her argument. ✓ The government acknowledged that the tax was unfair. 		۵
acquaint	make familiar, make known	آشنا ساختن، آگاه نمودن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ You need to acquaint yourself with the house style. ✓ I need to acquaint myself with the new regulations. 		۱
acquire	purchase, obtain, gain	خریدن، کسب کردن، اندوختن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ I was wearing a newly/recently acquired jacket. ✓ She has acquired an email address and a site on the Worldwide Web. 		۲
acquisition	act of acquiring, purchase	کشف، حصول، دستاورد، خرید
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The acquisition of data has helped our research enormously. ✓ The Art Society is holding an exhibition of recent acquisitions. 		۱
acquit	declare innocent, carry out	تبرئه کردن، به خوبی انجام دادن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The jury acquitted him of murder. ✓ I thought that he acquitted himself admirably in today's meeting. 		۱
acrimony	bitterness, anger	تلخی، رنجش، خشم
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The acrimony of the dispute has shocked a lot of people. 		۱

acute	severe, critical, sharp, astute	شدید، حیاتی، تیز و حساس
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The housing shortage is more acute than first thought. ✓ Young children have a particularly acute sense of smell. 		۰
ad hoc	not planned	برنامه ریزی نشده، برای هدفی خاص
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The discussions were on an ad hoc basis. (مناظره از پیش برنامه ریزی نشده). ✓ ... An ad hoc committee ... (کمیته‌ای خاص که برای فقط یک منظور ایجاد شده است). 		۱
adapt	adjust, acclimatize, adjustment	وفق دادن، سازگار شدن، انطباق
<ul style="list-style-type: none"> ✓ We had to adapt our plans to fit Jack's timetable. ✓ The store's slow adaption to shoppers' changing tastes spelled its doom. 		۱
addict	become dependent on	معتاد، خو گرفته
<ul style="list-style-type: none"> ✓ My nephew (برادرزاده یا خواهرزاده) is a complete video game addict. ✓ ... a drug/heroin addict... 		۰
adequate	sufficient, satisfactory, up to	راضی کننده، در حد کفایت، کافی
<ul style="list-style-type: none"> ✓ I didn't have adequate time to prepare. ✓ This office is perfectly adequate for my needs. 		۳
adherence	support, devotion, coherence	هواخواه، پشتیبان، چسبندگی، پایبندی
<ul style="list-style-type: none"> ✓ He was noted for his strict adherence to the rules. ✓ He was a strong adherent of monetarism. (توضیح: مونتاریسم یا سیاست اقتصادی مدافع کاهش حجم نقدینگی) 		۱
adjacent	near, next, adjoining	حوالی، نزدیکی، هم جوار
<ul style="list-style-type: none"> ✓ They lived in a house adjacent to the railway. 		۶
adjust	adapt, tune, modify, alter	وفق دادن، تنظیم کردن، تغییر دادن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ If the chair is too high you can adjust it to suit you. ✓ It took a few seconds for her eyes to adjust to the darkness. ✓ It just needs a few minor adjustments (انطباق و سازگاری). 		۴
admiration	respect, approval, esteem	احترام، تحسین و شگفتی
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Her house was the admiration of everyone. ✓ My admiration for that woman grows daily. 		۱
admission	accept, admittance, entrance	پذیرش، اجازه یا هزینه ورودیه
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Her silence was taken as an admission of guilt/defeat. ✓ Her condition required frequent hospital admissions. ✓ How much do they charge for admission? 		۱

•

•

•

این صفحات طبق صحبت با ناشر محترم،

حذف گردیده و تنها در نسخه چاپی قابل

مشاهده است

•

•

•

•

•



J

jagged	rough and with sharp points	دنده دنده، ناهموار با نقاط نوک تیز
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The broken bottle's jagged edge gashed (بریدن) their fingers. ✓ ... the jagged rocks of St. Savior's Point ... 		۰
jail	prison, imprison, lock up	زندانی کردن، حبس کردن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The financier was released from jail last week. ✓ Watson was jailed for tax evasion (فرار از پرداخت مالیات). 		۱
jargon	specialized language, slang	زبان مخصوص به صنف خاص، زبان فنی
<ul style="list-style-type: none"> ✓ ... medical jargon that the layman (آدم عادی) cannot understand ... ✓ Keep it simple and avoid the use of jargon. 		۰
jealous (of)	envious, suspicious, protective	حسود، بدگمان، مراقب و گوش به زنگ
<ul style="list-style-type: none"> ✓ He had always been very jealous of his brother's good looks. ✓ He was talking to Nina to make me jealous. 		۰
jeopardize	threaten, endanger, imperil	به خطر انداختن، در معرض خطر قراردادن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ She knew that by failing her exams she could jeopardize her whole future. ✓ His health has been jeopardized by poor nutrition (تغذیه). 		۰
jolly	cheerful, happy, cheery	شاد، سرحال، خوشحال
judgement	verdict, assessment, acumen	قضایوت، دادرسی، فتوی و حکم
<ul style="list-style-type: none"> ✓ It's too soon to make a judgment about what the outcome will be. ✓ Don't rush to judgment without examining the evidence. 		۱
judicious	wise, sensible, prudent	با درایت، عاقلانه و محتاطانه
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Judicious planning now can prevent problems later. ✓ We should make judicious use of the resources available to us. 		۱
jumper	sweater, pullover	سوئیشرت، پلیور بی آستین
<ul style="list-style-type: none"> ✓ ... a red woolly jumper ... 		۱
juncture	point (in time), phase, period	زمانی خاص و بحرانی برای یک فعالیت
<ul style="list-style-type: none"> ✓ It is difficult to say at this junction whether this upturn can be sustained. ✓ Negotiations between the countries reached a critical junction. 		۱

justice	fairness, validity, judge	عدالت، انصاف، صحت، قضاوت
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Everything will be done to bring those responsible to justice. ✓ The role of the courts is to dispense justice fairly to everyone. 		۱
justify	give reasons for, explain	توجیه کردن، پاسخگو بودن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ I can't really justify taking another day off work. ✓ The situation was grave (عمیق، جدی) enough to justify further investigation. 		۱
juvenile	young, childish, teenage	نوجوان، نوجوانی
<ul style="list-style-type: none"> ✓ She criticized his juvenile behavior at the party. ✓ ... a juvenile sense of humor ... 		۰

K

keen	eager, sharp, acute, anxious	تیز، زیرک و باهوش، مشتاق، حساس
<ul style="list-style-type: none"> ✓ I have keen (تیز) eyesight. ✓ With her keen mind and good business sense, she soon became noticed. ✓ They were very keen (مشتاق) to start work as soon as possible. 		۰
keg	barrel, cash, vat	بشکه، خمره
kin	relatives, family	وابستگان، خویشاوندان
<ul style="list-style-type: none"> ✓ We'll have to notify the next of kin (فامیل بسیار نزدیک) of his death. ✓ If other kin live nearby they also will be visited. 		۱
knee	joint in the middle of the leg	زانو
knit	make clothes, unite, unify, join	بافتن بافتنی، جوش خوردن استخوان
<ul style="list-style-type: none"> ✓ My grandmother taught me how to knit. ✓ The broken bone should begin to knit (together) in a few days. 		۱

L

lack (of)	absence, shortage, be without	عدم، کمبود، احتیاج، کم داشتن، نبودن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The case was dismissed for lack of evidence. ✓ Alex's real problem is that he lacks confidence. 		۶



laconic	brief, concise, taciturn, terse	کم حرف، موجز گو
<ul style="list-style-type: none"> ✓ His laconic reply suggested a lack of interest in the topic. ✓ "She left," said Pascoe laconically. 		۱
launch	set in motion, start, commence	راه انداختن، شروع کردن
lapse	failure, gap, expire, decline	نقص، لغزش، فاصله، توقف، منقضی شدن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ ... a lapse (کمبود و نقص) of concentration ... ✓ He turned up again after a lapse (فاصله) of two years. ✓ Your booking (رزرو بلیط) will automatically lapse unless you confirm it. 		۰
lasting	enduring, abiding, durable	با دوام، پایدار، طول کشیدن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ ... a lasting, happy marriage ... ✓ The reforms will bring lasting benefits. 		۱
latent	dormant, hidden	غایب، پنهان، نهفته
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The virus remains latent in the body for many years. ✓ We're trying to bring out the latent artistic talents. 		۱
laugh	chuckle, joke	خنده، لبخند زدن، تمسخر کردن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Many people only laughed at these stories. ✓ I couldn't stop laughing when I saw what he was wearing. 		۰
lead	guide, cause, induce	رهبری و هدایت کردن، منجر شدن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ I think we've chosen the right person to lead the expedition (سفر، هیئت اعزامی). ✓ He said differences over foreign policy had led him to resign (استعفا دادن). 		۰
leading	chief, main, major	اصلی، مهم‌ترین، پیشرو
lecturer	speaker, college teacher	مدرس، سخنران، تدریس کننده
<ul style="list-style-type: none"> ✓ ... a senior lecturer in surgery at Leeds University ... ✓ They lectured their children about the importance of honesty. 		۲
ledger	(account) book, record book	دفتر معین (حسابداری)
<ul style="list-style-type: none"> ✓ ... the total balance of the purchases ledger ... ✓ The first entries in his sales ledger are expected next year. 		۱
legacy	bequest, inheritance, effect	ارث، ماترک، میراث، پیشینه
<ul style="list-style-type: none"> ✓ My grandmother died and unexpectedly left me a small legacy. ✓ The Greeks have a rich legacy of literature. 		۱

legal	lawful, legitimate, judicial	قانونی، قاطع، شرعی و عرفی
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The amount of alcohol in his blood exceeded the legal limit. ✓ a legal obligation/requirement 		۱
legend	myth, saga, celebrity	حماسه، افسانه، مشهور و به یادماندنی
legitimate	legal, rightful, lawful, valid	قانونی و مشروع، درست و بر حق
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The army must give power back to the legitimate government. ✓ Most scientists believe it is legitimate to use animals in medical research. 		۱
lend	borrow, loan, add to	قرض دادن، وام دادن، اضافه کردن، دادن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ If you need a coat I can lend you one/lend one to you. ✓ The smile lent his face a certain boyish charm. 		۱
lessen	reduce, decrease, diminish	کم شدن، کاهش یافتن، نزول کردن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The years have lessened the gap in age between us. ✓ Exercise lessens the risk of heart disease. 		۰
liability	responsibility, debts, burden	تعهد، دیون، التزام، قابلیت، بدهی
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Tenants have legal liability for any damage they cause. ✓ The business has liabilities of £2 million. 		۰
limber	lithe, nimble, flexible	منعطف، قابلیت خم شدن، تا شو و نرم
<ul style="list-style-type: none"> ✓ I have to practice to keep myself limber. 		۰
linger	wait, stay, remain	طول دادن و دیر رفتن، ماندن
linguistic	semantic, of language	وابسته به زبان شناسی، حوزه معنایی
<ul style="list-style-type: none"> ✓ ... a child's linguistic development ... ✓ I'm particularly interested in the linguistic development of young children. 		۱
literal	word-for-word, verbatim	کلمه به کلمه، معنی اصلی، تحت الفظی
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The literal meaning of 'television' is 'seeing from a distance'. ✓ A trade war is not a war in the literal sense. ✓ They were responsible for literally (به معنای واقعی کلمه) millions of deaths. 		۱
literature	writings, publications	ادبیات، نشریات
loom	emerge, appear, impend	پدیدار شدن، مشرف و نزدیک بودن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Suddenly a mountain loomed up in front of them. ✓ An economic crisis (بحران اقتصادی) is looming on the horizon. (قرب الوقوع است). 		۰

•

•

•

این صفحات طبق صحبت با ناشر محترم،

حذف گردیده و تنها در نسخه چاپی قابل

مشاهده است

•

•

•

•

•



vortex	whirlwind, whirlpool	گرداب، گردباد
<ul style="list-style-type: none"> ✓ I was sucked into (کشیده شدن به طرف) a vortex of despair. ✓ We were caught in a vortex of water. 		۰
vulnerable	in danger, in peril, exposed to	آسیب پذیر، در معرض خطر، در معرض...
<ul style="list-style-type: none"> ✓ He was very vulnerable after his divorce. ✓ The fort (دژ، قلعه) was vulnerable to attack from the north. 		۲

W

wail	howl, bawl, cry	شیون کردن با فریاد، ناله کردن
wage	payment, salary	حق الزحمه، حقوق
<ul style="list-style-type: none"> ✓ We were struggling to get better wages. ✓ He earns a good wage, because he works for a fair employer. 		۱
wanton	deliberate, malicious	گستاخ (عمدی)، شرور و سرکش
warden	superintendent, caretaker	سرپرست، ناظر، نگهبان، سرایدار
warily	cautiously, vigilantly	محتاطانه، هوشیارانه، از روی احتیاط
<ul style="list-style-type: none"> ✓ They walk warily down the street, terrified of being caught. ✓ He approached it warily, stopping often to look about him and listen. 		۱
wasp	a thin black & yellow insect	زنبور
weary	tired, exhausted, tire, bore	خسته، کسل، درمانده، خسته کردن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ She was weary from years of housework. ✓ As the day wore on (سپری شدن)، we wearied of the journey. 		۱
weave	create, knit, interlace	ساختن، بافتن، در هم تنیدن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ He weaves colorful, cinematic plots (داستان). ✓ This type of wool is woven into fabric which will make jackets. 		۰
weird	very strange, uncanny	عجیب و غریب، خارق العاده، مرموز
<ul style="list-style-type: none"> ✓ They sell all sorts of weird and wonderful (=very strange) products. ✓ My little brother acts weird sometimes. 		۰
welfare	support, well-being, comfort	کمکهای خیرانه، سعادت، آسایش، رفاه
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Most of the people in this neighborhood are on welfare (=need to help). ✓ Our only concern is the children's welfare. 		۵

well-disposed	friendly toward a person or idea	احساس خوب، پذیرنده عقاید و نظرات
<ul style="list-style-type: none"> ✓ I did not feel particularly well-disposed towards him. ✓ The company is well disposed to the idea of partnership. 		۱
wharf	quay, pier	لنگرگاه، بارانداز
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Tied the rowboat (قایق پارویی) up at the wharf. 		۰
wheat	a cereal plant	گندم
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Wheat is a staple (اصلی) crop for millions of people across the world. 		۱
whirl	rotate, circle, wheel	چرخیدن، گردیدن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ He whirled the sword (شمشیر) around his head. ✓ He stepped out into the night and the whirling snow (بوران). 		۰
wholesale	selling of goods in large scale	عمده فروشی، عمده
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Is that price retail (خرده فروشی) or wholesale? ✓ This company will not be successful until there are wholesale changes. 		۰
widespread	general, universal, common	رایج، متداول، گسترده، جهان شمول
<ul style="list-style-type: none"> ✓ There are reports of widespread flooding in northern France. ✓ There was widespread support for the war. 		۶
wisdom	sagacity, knowledge, sense	خرد، هوش، فرزانی
<ul style="list-style-type: none"> ✓ She has gained a lot of wisdom over the years. ✓ You can always expect a few words of wisdom from Dave. 		۱
withdraw	remove, retire, disclaim	سرباز زدن، عقب کشیدن، رد و نفی کردن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ His rival withdrew from the race on the second lap (دوره). ✓ The newspaper has agreed to withdraw its allegations (ادعا). 		۱
withhold	hold back, refuse to give	مضایقه نمودن، دریغ کردن و ندادن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Ian was accused of withholding vital information from the police. ✓ She withheld her rent until the landlord agreed to have the repairs done. 		۱
within	inside, in less than, inwardly	در داخل، در حدود، در مدت، از درون
<ul style="list-style-type: none"> ✓ We could hear sounds coming from within his apartment. ✓ We should have the test results back within 24 hour. 		۲



withstand	resist, endure, stand up to	مقاومت کردن، تاب آوردن، برپا ماندن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ This fabric (پارچه) can withstand steam and high temperatures. ✓ Constantinople withstood the eastern invaders (مهاجم). 		۲
witness	see, attest to, testimony, proof	شهادت دادن، گواه بودن، شاهد، مدرک
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Several residents claim to have witnessed the attack. ✓ ... the memorial service was witness to the wide circle of his interests ... 		۱
witty	humorous, amusing, funny	بذله گو، شوخ طبع، کنایه زن
wobble	rock, teeter, tremble	لنگ زدن، تکان خوردن، لرزیدن از سستی
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The pile of bricks (توده آجر، کپه آجر) wobbled and fell. ✓ Tom stopped, wobbling from the weight of his load. 		۰
woo	tempt, persuade, entice	فریفتن، اغوا کردن، مخ کسی را زدن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Supermarkets are trying to woo customers by cutting prices. ✓ The party (حزب) has been trying to woo the voters with promises of electoral reform. 		۰
worthwhile	valuable, useful, beneficial	با ارزش، ارزنده، ارزشمند
<ul style="list-style-type: none"> ✓ We decided to give the money to a worthwhile cause (=one that helps people). ✓ Extra lighting would make a worthwhile contribution to road safety. 		۰
wound	injury, cut, injure, hurt, harm	زخم، جراحت، مجروح و مصدوم شدن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The new crisis (بحران و مشکل) has opened old wounds. ✓ The police chief was badly wounded in the explosion. 		۱
wrap	swathe, package, dress warmly	قنداق کردن، پیچاندن و پوشاندن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ She wrapped (بسته بندی کردن) the present and tied it with ribbon (روبان). ✓ She wrapped the baby in a blanket (پتو و پارچه پوشاننده). 		۱
wrath	extreme anger, rage	غضب شدید، خشم
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The people feared the wrath of God. 		۰
wrest	wrench, snatch, grab, bend	قاپ زدن، ربودن، به چنگ آوردن
<ul style="list-style-type: none"> ✓ They are fighting to wrest control of the party from the old leaders. ✓ He wrested the letter from my grasp (مشت، چنگ). 		۰

wretch	poor creature, villain	بدبخت، بیچاره، پست، لات و بد ذات
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Can the poor wretch's corpse tell us anything? ✓ He was a lonely, miserable (بدبخت) wretch. 		°

Y

yield(1)	produce, bear, profit, gain	تولید کردن، نتیجه دادن، سود و بازده
<ul style="list-style-type: none"> ✓ Such investments (سرمایه گذاری) yield direct cash returns. ✓ Shareholders (سهام دارها) are expecting a higher yield this year. 		°
yield(2)	surrender, submit, give in to	تسلیم شدن، پذیرفتن برخلاف میل باطنی
<ul style="list-style-type: none"> ✓ He yielded to the demands of his partners. ✓ Finally she yielded to temptation (اغوا) and helped herself to a large slice (قسمت، تکه) of cake. 		°

Z

zealous	fervent, ardent, excited, fervid	فدایی، مجاهد، با دل و جرات، هواخواه
<ul style="list-style-type: none"> ✓ The council was extremely zealous in the application of the regulations. ✓ No one was more zealous than Neil in supporting the proposal. 		۱
zenith	peak, highest point, climax	اوج، بالاترین درجه، قله و درجه رفیع
<ul style="list-style-type: none"> ✓ In the 1860s, Tolstoy was at the zenith of his achievement (موفقیت). ✓ The Roman Empire reached its zenith around the year 100. 		۱



جداول وضمائم

•

•

•

این صفحات طبق صحبت با ناشر محترم،

حذف گردیده و تنها در نسخه چاپی قابل

مشاهده است

•

•

•

•

•

جدول راهنمای زمان‌ها در زبان انگلیسی

زمان	Affirmative/Negative/Question عبارت مثبت، منفی و سوالی	Use موارد کاربرد	کلمات نشانه
Simple Present حال ساده	Form: infinitive A: He speaks. N: He does not speak. Q: Does he speak? او صحبت می‌کند	<ul style="list-style-type: none"> اتفاقی که در زمان حال یکبار، هرگز و یا به تعداد دفعات زیادی به وقوع پیوسته است. بیان حقایق و یا واقعیت‌های علمی اتفاقاتی که یکی پس از دیگری به وقوع می‌پیوندند. اتفاقات تنظیم شده توسط جدول زمانی یا برنامه زمان‌بندی 	always, every ..., never, normally, often, seldom, sometimes, usually if sentences type I (If I talk, ...)
Present Progressive حال استمراری	Form: (am/is/are) + infinitive +ing A: He is speaking. N: He is not speaking. Q: Is he speaking? او دارد صحبت می‌کند.	<ul style="list-style-type: none"> اتفاقات رخ داده در لحظه‌ای که در حال صحبت هستیم. وقایعی که تنها برای یک مدت زمانی محدود و مشخص به وقوع می‌پیوندند. عملی که برای آینده تدارک دیده شده است. 	at the moment, just, just now, Listen!, Look!, now, right now
Simple Past گذشته ساده	Form: infinitive+ed or irregular A: He spoke. N: He did not speak. Q: Did he speak? او صحبت کرد.	<ul style="list-style-type: none"> اتفاقی که در زمان گذشته یکبار، هرگز و یا به تعداد دفعات زیادی به وقوع پیوسته است. اتفاقاتی که یکی پس از دیگری به وقوع می‌پیوندند. عملی که در میان عملی دیگر اتفاق می‌افتد. 	yesterday, 2 minutes ago, in 1990, the other day, last Friday if sentence type II (If I talked, ...)
Past Progressive گذشته استمراری	Form: (was/were)+ infinitive+ ing A: He was speaking. N: He was not speaking. Q: Was he speaking? او داشت صحبت می‌کرد.	<ul style="list-style-type: none"> عملی که در زمان مشخصی در گذشته به طول انجامیده است. اتفاقاتی که به صورت هم‌زمان رخ داده است. کاری که در گذشته انجام و توسط کاری دیگر قطع شده است. 	when, while, as long as

•

•

•

این صفحات طبق صحبت با ناشر محترم،

حذف گردیده و تنها در نسخه چاپی قابل

مشاهده است

•

•

•

•

•

<p>Conditional Perfect آینده در گذشته کامل</p>	<p>Form: would+ have/has+ past participle</p> <p>A: He would have spoken. N: He would not have spoken. Q: Would he have spoken?</p> <p>او صحبت کرده است.</p>	<p>برای بیان کاری که قبل از زمان مشخصی که نسبت به گذشته، آینده محسوب می‌شود، تمام و کامل شده باشد. مورد استفاده در شرطی نوع سوم</p>	<p>if sentences type III (If I had seen that, I would have helped.)</p>
<p>Conditional Perfect Progressive آینده در گذشته کامل استمراری</p>	<p>Form: would+ have/has+ been+ infinitive+ ing</p> <p>A: He would have been speaking. N: He would not have been speaking. Q: Would he have been speaking?</p> <p>او صحبت می‌نموده است یا او (تا به حال) صحبت نموده بود.</p>	<p>موارد استفاده همانند آینده در گذشته است با این تفاوت که از این زمان برای نمایش ادامه عمل و استمرار کار مورد نظر استفاده می‌شود. با تاکید بر طول مدت انجام عمل برای درک بیشتر به مثال‌های زمان‌های شرطی رجوع نمایید.</p>	



خلاصه انواع جملات شرطی در زبان انگلیسی

ساختار شرطی که در زبان انگلیسی به صورت **Conditional Clauses** یا **If Clauses** نامیده می‌شود، برای بیان دو عبارت که به یکدیگر وابسته‌اند و در یک شرایط خاص می‌توانند اتفاق بیافتند به کار می‌رود. ساختار شرطی بر سه نوع است که به صورت ساده بیان می‌نماییم:

۱. جملات شرطی نوع اول:

Conditional Sentence Type I

Form: if + فعل ساده + ... + فعل آینده ساده

یا

... + فعل ساده + if + ... + فعل آینده ساده

این جملات درباره رویدادهایی صحبت می‌کنند که در صورت فراهم بودن شرایط حتماً اتفاق می‌افتند و از دو بخش به هم وابسته تشکیل می‌شوند که در صورت وقوع شرط فعلی، حالت آینده به وقوع خواهد پیوست. برای مثال کارهایی که در زندگی برایمان به یک عادت تبدیل شده از این گونه‌اند:

"اگه هوا بارونی باشه، من چتر رو با خودم می‌برم."

هرچند هنوز باران شروع به باریدن نکرده است اما در صورت وقوع آن اینکه در صورت باران باریدن اینکه من چترم را خواهم برداشت اتفاقی است که حتماً روی می‌دهد. (شرطی محتمل در آینده)

If I find her address, I will send her an invitation.

"اگه آدرسشو پیدا کنم برایش یک دعوت‌نامه خواهم فرستاد."

یعنی من می‌خواهم برای دوستم دعوت‌نامه‌ای بفرستم و فقط می‌بایست آدرسش را پیدا کنم. در صورتی که آدرسش را پیدا کنم، مطمئنم که دعوت‌نامه را برایش خواهم فرستاد. بدین معنی که به محض پیدا کردن آدرس برایش دعوت‌نامه خواهم فرستاد. (آینده محتمل)

به گونه‌ای دیگر نیز می‌توان این شرطی را نوشت، در این صورت کاما (,) حذف خواهد شد:

I will send her an invitation if I find her address.

مثال‌هایی دیگر از شرطی نوع اول:

- If I don't see him this afternoon, I will phone him in the evening.
- If John has the money, he will buy a Ferrari.
- If it's sunny, we'll go to the park.
- Peter will be sad if Susan leaves.
- If you cook dinner, I'll wash the dishes.

•

•

•

این صفحات طبق صحبت با ناشر محترم،

حذف گردیده و تنها در نسخه چاپی قابل

مشاهده است

•

•

•

•

•



General English Under Scrutiny

Elnaz Yousefzadeh
Hadi Jahanshahi



توضیح

M.A. Dorani

